

## ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج البلاغه

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سجاد ایزدهی\*

### اشاره

از جمله دوره‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی هر فرد، دوره جوانی است که بهار زندگی به شمار می‌رود. به طور طبیعی، شناخت ویژگی‌های انسان در این دوره، می‌تواند به استفاده مطلوب دوره جوانی بینجامد و به کارگیری توانایی‌ها در این زمان، به رشد و کمال بیشتر منجر شود. بر این اساس، شناخت دوران جوانی، از اهمیت خاص برخوردار است. این مقاله، کندوکاوی است درباره ویژگی‌های جوان از منظر امام علی علیه السلام که در محورهایی چند سامان یافته است.

### اهمیت دوران جوانی

جوانی، مناسب‌ترین زمان برای به دست آوردن توانایی‌ها و دانش‌هاست؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد دوران جوانی، فرصتی طلایی و در عین حال، کوتاهی است که اگر به خودشناسی و کمال‌یابی اختصاص یابد، سعادت جوان به خوبی تأمین می‌گردد.

---

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حضرت علی علیه السلام در خصوص اهمیت جوانی و تأثیر آن در زندگی فرموده: «در ایام سلامت بدن، سرمایه ای فراهم و مهیا نساخته و در اوایل فرصت‌های زندگی و نیرومندی، درس عبرتی نگرفتند و درخشنده‌ترین ایام عمر را رایگان از کف دادند. آیا کسی که در جوانی اهل تن‌پروری بوده، می‌تواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظاری داشته باشد؟!»<sup>۱</sup>

نیز: «شَيْئَانِ لَا يَعْرِفُ مَحَلَّهُمَا إِلَّا مَنْ فَقَدَهُمَا: الشَّبَابُ وَالْعَافِيَةُ»<sup>۲</sup>؛ دو چیز است که فضیلت و برتری آنها را نداند، مگر کسی که آن دو را از دست داده باشد؛ جوانی و سلامت.»

## ویژگی‌های جوان

ویژگی‌های جوان، مشتمل بر اوصاف جسمی و روحی است و هرکدام از ویژگی‌ها، در رفتار جوانان تأثیرگذار است. در ذیل، به بیان ویژگی‌ها می‌پردازیم.

### الف. ویژگی‌های جسمی

با عنایت به اینکه جوانی بهار زندگی بوده و جوانان از قدرت، نشاط و سلامتی بیشتری نسبت به سایر دوران زندگی برخوردارند، در معارف دینی، استفاده از این ویژگی‌ها برای دستیابی به سعادت و آخرت، مورد تأکید قرار گرفته؛ چنان‌که علی علیه السلام در تفسیر آیه ۷۷ سوره قصص بدان اشاره فرموده است:

«فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا»<sup>۳</sup>، قَالَ لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَقُوَّتَكَ وَفَرَاغَكَ وَشَبَابَكَ وَتَشَاطُكَ وَغِنَاكَ وَأَنْ تَطْلُبَ بِهِ الْآخِرَةَ؛<sup>۴</sup> سخن خداوند بلندمرتبه که می‌فرماید: سهم خود را از دنیا فراموش مکن، یعنی: سلامتی، توان، فرصت، جوانی، شادابی و دارایی‌ات را فراموش مکن تا با آنها آخرت را به دست آوری.»

از آنجا که جوانان معمولاً به جهت ویژگی‌های جوانی، عادت به عبادت طولانی ندارند، باید در عبادت رعایت میانه‌روی را بنمایند. امام صادق علیه السلام فرمود: «در جوانی، زیاد عبادت

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۱۸۰۰.

۲. آقاجمال خوانساری، شرح غررالحکم ودرر الکلم، ج ۷، ص ۱۷۱.

۳. قصص، آیه ۷۷.

۴. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲۵.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۷۷

می‌کردم. پدرم به من فرمود: فرزندم! کمتر عبادت کن؛ زیرا خداوند بلندمرتبه اگر بنده‌ای را دوست بدارد، با عبادت کم نیز از او خشنود می‌گردد.<sup>۱</sup> این نکته، در توصیه امام علی علیه السلام به فرزندش نیز آمده است: «فَلَا تَحْمِلْ عَلَيَّ ظَهْرَكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ»<sup>۲</sup>؛ بیش از ظرفیت خویش، چیزی را بر خود تحمیل نکن.»

### ۱. قدرت جسمی

از ویژگی دوره جوانی، قدرت جسمی است. بر اساس آیه شریفه قرآن، خداوند پس از نونهالی که انسان از توانایی اندکی در آن ایام برخوردار است، نعمت جوانی را به او اعطا کرده که مشتمل بر بلوغ جسمی و قدرت است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً...»<sup>۳</sup>؛ خدا، همان کسی است که شما را آفرید؛ درحالی که ناتوان بودید. آن‌گاه پس از ناتوانی، قوت بخشید و سپس، بعد از توانمندی، ناتوانی [و پیری] قرار داد.»

حضرت علی علیه السلام ضمن تأکید بر غلبه تجربه و تفکر برای پیرمردان و ویژگی توانمندی و چابکی برای جوانان، این نکته را مورد عنایت قرار داده که قدرت جسمی، باید با تفکر همراه باشد. همچنین، حضرت، قدرت اندیشه و تجربه کهن سالان را در مقایسه با قدرت جسمی جوانان، دارای اولویت دانسته و فرموده: «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ»<sup>۴</sup>؛ اندیشه پیر را از چابکی و نیرومندی جوان بیشتر دوست دارم.»

بر این اساس، جوانان باید از لطف الهی، یعنی تجربه کهن سالان، کمال استفاده را ببرند.

### ۲. تیزهوشی

جوانی، نه فقط دوره بلوغ جسمی و توانایی بدنی انسان است، بلکه مشتمل بر توانایی ذهنی وی است؛ زیرا در این دوره، هوش و عملکرد حواس پنج‌گانه رشد می‌یابد. بر این اساس،

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

۳. روم، آیه ۵۴.

۴. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، حکمت ۸۳.

امام علی علیه السلام دیگران را به مشورت با جوانان فراخوانده و تیزهوشی آنان را ستوده است. گرچه ایشان در ادامه، این مقدار از مشورت را کافی ندانسته و مراجعه به اصحاب تجربه را نیز لازم می‌داند: «هنگامی که در پیشامدی احتیاج به مشورت داشتی، ابتدا به جوانان مراجعه نما؛ زیرا آنان، ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس [نتیجه] آن را به نظر بزرگ‌سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند؛ زیرا تجربه اینان بیشتر است.»<sup>۱</sup>

## ب. ویژگی‌های فکری و روحی

این نوع از ویژگی‌ها را می‌توان در دو محور کلی بررسی نمود:

### ۱. ویژگی‌های مثبت

مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

#### - قلب پاک

فرصت جوانی، زمان مناسبی برای پیمودن مسیر کمال و ارتباط معنوی با خداوند است؛ زیرا هنوز دوستی دنیا و وابستگی به لذت‌های مادی در دل جوان رسوخ نکرده است. از این رو، وی در این دوره راحت‌تر از زمان پیری می‌تواند خود را از دنیادوستی دور نماید و معنویات را جایگزین آن کند. امام علی علیه السلام در نامه خویش، فرزندش حسن علیه السلام را به داشتن نیت و نفس پاک توصیف می‌نماید: «أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَمُقْتَبِلُ الدَّهْرِ ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ»<sup>۲</sup>، رو به زندگی آوردی و تازه با روزگار روبه‌رو شده‌ای. دارای نیت پاک و روان پاکیزه هستی.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز قلب پاک جوان را مورد تأکید قرار داده است؛ زیرا جوانان زودتر از همه دعوت ایشان را اجابت کردند. رسول خدا فرمود: «به شماها درباره جوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۷.

۲. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند؛ ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفت برخاستند.<sup>۱</sup> نکته قابل توجه در روایت یادشده این است که پیامبر فلسفه مخالفت کهن سالان با خود را، قساوت قلوب معرفی نمود که در گذر ایام برایشان حاصل شده. این، در حالی است که جوانان به دلیل عدم دلبستگی به دنیا، قساوت قلب ندارند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه روایت با استناد به آیه: «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»<sup>۲</sup> دوره‌ای طولانی بر آنها گذشت و دل‌هایشان زنگار قساوت گرفت»، کلام خویش را خاتمه داده است.

به دلیل آمادگی و تربیت‌پذیری جوان است که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به تربیت جوان در دوران جوانی اهمیت داده و آن را بهترین زمان تربیت‌پذیری دانسته است؛ چنان‌که در نامه امام به فرزندش، امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم: «به‌راستی که قلب جوان، همچون زمینی است که گیاهی در آن رویده باشد. هر زمان که بذری در آن افکنده شود، می‌پذیرد. پس، به آگاهانیدن تو اقدام کردم، پیش از اینکه دلت سخت و عقلت سرگرم شود.»<sup>۳</sup>

### نکته تربیتی

با عنایت به اینکه در دوران جوانی، خصلت‌های ناپسند در روح انسان ریشه نکرده، می‌توان با هزینه و زحمت کمتری برای رفع آنها و جایگزین کردن فضیلت‌ها و اخلاق پسندیده اقدام کرد. این امر، در دوران میان‌سالی و کهن‌سالی بسیار سخت خواهد بود؛ زیرا بسیاری از صفات و ویژگی‌ها در این دوران، عادت شده و تغییر آنها به‌آسانی ممکن نخواهد بود. جناب مولوی این قضیه را در قالب داستانی به نظم درآورده که بر اساس آن، تغییر عادات و خصوصیات در جوانی، مانند کندن بوته سست از دل خاک از سوی جوان خارکن است اما اگر این امر توسط جوان در آن ایام انجام نشود، به موازات اینکه خارکن پیر می‌شود و قدرت او ضعیف می‌گردد، خار در دل زمین ریشه کرده و مستحکم می‌شود و به‌طور طبیعی، کندن این بوته در زمان پیری، سخت و دشوار خواهد بود.

۱. شیخ عباس قمی، *سقیة البحار*، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. حدید، آیه ۱۶.

۳. فیض الاسلام، *نهج‌البلاغه*، نامه ۳۱.

تو که می‌گویی که فردا، این بدن  
آن درخت بد، جوان‌تر می‌شود  
خاربن در قوت و برخاستن  
او جوان‌تر می‌شود، تو پیرتر

که به هر روزی که می‌آید زمان  
وین‌کننده، پیر و مضطر می‌شود  
خارکن در سستی و در کاستن  
زود باش و روزگار خود مبر<sup>۱</sup>

### - آرزومندی

از آنجا که جوان در ابتدای زندگی قرار دارد و فاقد بسیاری از امکانات مادی است، همواره درصدد دستیابی به آرزوهای خویش است. بر این اساس، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَلَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَرَسٌ شَجْرًا؛<sup>۲</sup> آرزو، برای امت من رحمت است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند.»

امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در نامه به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام، به جایگاه آرزو در جوان اشاره نموده: «مِنَ الْوَالِدِ الْقَانِ... إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ؛<sup>۳</sup> این نامه، از پدری فناپذیر... به فرزندی است که آرزومند چیزی دست‌نیافتنی است.»

نوع نگاه حضرت در خصوص آرزو، بیانگر این معناست که اگرچه جوان مطابق طبعش، دارای آرزوهای فراوان است، اما آرزوها اگر در مسیر عقلانیت و تلاش قرار نگیرد، با خیال‌ها و آرزوهای تهی، تعویض شده، تنها آسودگی زودگذر را به همراه دارد. از این رو، حضرت عَلَيْهِ السَّلَام ضمن اینکه به آرزومندی جوان اشاره می‌کند، آرزوهای دُورودراز و بدون پشتوانه را امری ناصواب شمرده، برای آن، آسیب‌های احتمالی را یادآوری می‌نماید:

«به‌یقین بدان که به همه آرزوهای خود نخواهی رسید. از مرگ جلو نمی‌افتی و بر راه کسی می‌روی که پیش از تو می‌رفت. پس در به دست آوردن دنیا، آرام باش و در مصرف آنچه به دست آوردی، نیکو عمل کن؛ زیرا چه بسا تلاش بی‌اندازه برای دنیا، به تاراج رفتن اموال را به دنبال دارد.»<sup>۴</sup>

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، متنوی معنوی، دفتر دوم.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

۳. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. همان.

## - آرمان‌گرایی

جوان، به دلیل داشتن قلب پاک و روح صاف، همواره آرمان‌طلب می‌باشد. از این رو، عدالت‌طلبی و رسیدن به اهداف بلند را مد نظر قرار داده، در مسیر کمال حرکت می‌نماید و زودتر حق را می‌پذیرد. به همین جهت، بیشتر طرف‌داران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جوانان بوده‌اند؛ چنان‌که امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «بیشترین یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را جوانان تشکیل می‌دهند. یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام جوان‌اند و کهن‌سالان در میان آنان کم‌اند؛ مانند سرمه در چشم و نمک در توشه؛ چه اینکه کمترین قسمت توشه، نمک است.»<sup>۱</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به ابوجعفر احوال که از اندک‌بودن اجابت‌کنندگان دعوت به مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام شکایت داشت، آرمان‌گرایی جوانان و استقبال آنان از خیر و عدالت را مورد اشاره قرار داد: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ»<sup>۲</sup> جوانان را دریاب؛ زیرا که آنان سریع‌تر به کارهای خیر روی می‌آورند.»

رویکرد جوانان به خیر، در حد احساس نیست؛ بلکه بر پایه عشق به خیر است؛ رویکردی که موجب تصمیم‌های اساسی در مبارزه با شر و فساد می‌شود. از این رو، علی عَلَيْهِ السَّلَام در توصیه به امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام، وی را از سکوت و بی‌خیالی نسبت به وضعیت جامعه و اطرافیان برحذر داشته، به اصلاح جامعه در قالب امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، سفارش کرد. اگرچه ممکن است آرمان‌گرایی، هزینه‌هایی داشته باشد، اما این قضیه نباید وی را دلسرد کند و از کار بازدارد:

«به نیکویی امر کن تا از اهل آن باشی، و از بدی به دست و زبان خود منع کن، و از بدی به قدر طاقت خود جدایی انداز، و در راه خدا به گونه شایسته جهاد کن و سرزنش ملامت‌کنندگان تو را از این کار بازندارد.»<sup>۳</sup>

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۶.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

۳. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

## ۲. ویژگی‌های منفی

مهم‌ترین این نوع از ویژگی‌های جوانان عبارت‌اند از:

## - احساساتی بودن

در وجود انسان، دو عنصر مهم و محوری وجود دارند که عبارت‌اند از: عقل و احساسات. عقل، بر منطق و استدلال متکی است و درباره مسائل مختلف، با محاسبه و سنجش صحیح، قضاوت می‌نماید؛ اما احساس، با منطق و استدلال سر و کار ندارد؛ بلکه هدف آن، ایجاد هیجان و جنبش برای رسیدن به نتیجه مطلوب است؛ برخلاف عقل که چراغ راهنمای بشر در شناخت راه از چاه یا خیر از شر است.

با فرا رسیدن سن بلوغ، تمایل جنسی و سایر خواهش‌های عاطفی جوان رشد کرده؛ اما از سوی دیگر، عقل جوان به مرحله پختگی نرسیده است. از این رو، قدرت مقابله با احساسات را ندارد. این موضوع، موجب می‌شود که جوانان در معرض آسیب قرار داشته باشند. بنابراین، جوان باید با بهره‌گیری از احساسات توأم با عقل، مسیر زندگی را طی کند و از اطاعت بی‌چون‌وچرای احساسات بپرهیزد؛ در غیر این صورت، عقل، اسیر احساسات می‌گردد و این امر، پیامدهایی منفی دارد.

به جهت احساسی بودن جوان است که امیرمؤمنان، علی علیه السلام خطاب به فرزندش، امام حسن علیه السلام یادآوری می‌نماید مواظب باشد که تحت تأثیر احساسات قرار نگیرد: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرَ عِنْدَ هَوَىِّ أَمِيرٍ»<sup>۱</sup> چه بسیار عقلی که در برابر فرمانروایی هوا و خواهش‌های نفسانی، اسیر و گرفتار است. حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي»<sup>۲</sup> تو را پاره‌ای از تن خود یافتم؛ بلکه تمام وجود خود احساس کردم؛ به طوری که اگر مصیبتی به تو روی آورد، مثل این است که به من روی آورده و اگر مرگ گریبان تو را بگیرد، گویا گریبان مرا گرفته است و من، غم کار تو را همچون غم کار خود می‌خورم.

۱. همان، حکمت ۲۰۶.

۲. همان، نامه ۳۱.



مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۸۳

حضرت علی علیه السلام برای تعدیل احساسات و جلوگیری از آسیب‌های آن، امام حسن علیه السلام را به اموری چون: تقوا، موعظه‌پذیری و عبرت‌آموزی فراخوانده، می‌فرماید:

«پس، ای پسرکم! تو را به پرهیزکاری و ترس از خدا و پیوسته‌امری و فرمان او را بردن و آبادساختن خانه دل خود با یاد خدا و چنگ‌زدن به ریسمان او، سفارش می‌کنم. کدام وسیله، اطمینان‌بخش‌تر و استوارتر از رشته بین تو و خداست، اگر آن را دستاویز قرار دهی؟! دلت را به موعظه زنده‌دار؛ با پارسایی بمیران؛ به وسیله یقین‌نیرومند ساز؛ به نور حکمت روشن کن؛ با یاد مرگ، ذلیل و خاشع گردان و به اعتراف بر نابودی و فنا وادار نما.»<sup>۱</sup>

## - جهالت<sup>۲</sup>

علم، از امور اکتسابی است و باید در طول زمان و با تحمل رنج حاصل شود. جوان نیز دارای ناآگاهی‌های فراوان است. از این جهت، در آغاز راه تحصیل علم و دانش قرار دارد و از سوی دیگر، تیزهوشی و توانایی‌های جسمی و هویت‌طلبانه جوان، موجب می‌شود که جهل خود را باور نداشته و حتی کتمان نماید. از این رو باید با سعی و تلاش، به کسب علم همت گمارد؛ نه اینکه این کاستی را باور نداشته یا کتمان نماید: «جَهْلُ الشَّابِّ مَعْدُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْتَقُورٌ»<sup>۳</sup> نادانی جوان، معذور است و علم او، کوچک و ناچیز شمرده می‌شود.

امام علی علیه السلام نادانی را از جمله ویژگی‌های جوانان برمی‌شمارد و فلسفه آن را نادانی انسان از بدو تولد نسبت به موضوعات و اکتسابی بودن علم دانسته است:

«پس، اگر امری از امور بر تو مشکل شد، بر نادانی خود حمل کن؛ زیرا در آغاز آفرینش خود نادان بودی. پس، دانا شدی و چه بسیار چیزها که از آنها آگاه نیستی و اندیشه‌ات درباره آن سرگردان و بصیرت تو نسبت به آن ناچیز است و بعدها راجع به آن بینا می‌گردد.»<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. دو معنا از جهل وجود دارد: یکی، جهل در برابر عقل است که به سفاقت و حماقت معنا می‌شود و دوم، جهل در برابر علم است که به نادانی معنا می‌گردد. به طور طبیعی، مراد ما از جهالت، معنای دوم است.

۳. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۶، ح ۱۱۹۷.

۴. فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

### جوانی، فصل کسب دانایی

همان‌طور که اشاره شد، جوان در فصل بهار زندگی که توانایی جسمی و روحی دارد، باید از جهالت خویش کاسته، بر دامنه آگاهی‌هایش بیفزاید؛ اما با عنایت به گستردگی علوم، یادگیری همه آنها میسر نیست. از این رو، جوانان باید مطابق اهداف و آرمان‌های خویش، علمی خاص را تحصیل نمایند و به کسب دانش‌هایی بپردازند که در زمان جوانی و پیری برایشان مفید باشد: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَأَخَيْرَ فِي عِلْمٍ لَأَيُنْفَعُ وَلَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمٍ لَأَيَحِقُّ تَعَلُّمُهُ؛<sup>۱</sup> بدان که دانش بی‌فایده را خیری نیست و از علمی که شایسته آموختن نیست، فایده و منفعتی عاید نمی‌شود.»

در جای دیگر فرموده: «أولى الأشياء أن يتعلمها الأحداثُ الأشياءُ التي إذا صاروا رجالاً احتاجوا إليها؛<sup>۲</sup> شایسته‌ترین چیزهایی که نوجوانان باید بیاموزند، چیزهایی هستند که هنگام بزرگ‌سالی به آنها نیاز دارند.»

از امام صادق عليه السلام نقل شده که بر جوان مسلمان فرض است که همواره در طلب علم باشد؛ در غیر این صورت، نه تنها ضرر کرده و جوانی‌اش را تباه ساخته، بلکه این امر، وی را مستوجب عذاب الهی خواهد نمود:

«دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر جوانی چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد، [عمر خویش را] تباه ساخته و اگر تباه سازد، گناه کرده است. اگر گناه کند، سوگند به آن کس که محمد صلى الله عليه وآله را به حق برانگیخت، دوزخ‌نشین خواهد بود.»<sup>۳</sup>

کسب علوم، به زمان خاصی اختصاص ندارد؛ اما در برخی از زمان‌ها و مقاطع سنی، یادگیری علوم اهمیت بیشتری دارد. از این رو، از علم‌آموزی هنگام کودکی و نوجوانی، در روایات به حکم‌نمودن نقش بر سنگ تعبیر شده که به‌سادگی از بین نمی‌رود: «هرکس در

۱. همان.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳، ح ۸۱۷.

۳. شیخ طوسی، امالی، ص ۳۰۳، ح ۶۰۴.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج‌البلاغه ■ ۳۸۵

جوانی‌اش بیاموزد، آموخته‌اش مانند نقش بر سنگ است و هرکس در بزرگ‌سالی بیاموزد، مانند نوشتن روی آب است.<sup>۱</sup>

به دلیل اهمیت علم‌آموزی جوانان، دشمنان در صددند از این فرصت استفاده کرده، ذهن آنان را به شبهات آلوده نمایند. از این رو، هرگاه معارف دینی در زمان مناسب (جوانی) به آنان تعلیم شود، دشمنان قادر نخواهند بود آنها را منحرف سازند. امام صادق علیه السلام فرمود: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ»<sup>۲</sup> به آموختن حدیث به نوجوانانتان پیش از آنکه منحرفان آنان را گمراه سازند، اقدام نمایید.

### - غرور

غرور که به معنای فریفته‌شدن به دنیا و امکانات آن معنا شده، ممکن است برای هرکسی رخ دهد؛ اما جوانان که در اوج قدرت و توانایی جسمی و ذهنی قرار دارند، می‌توانند از این تهدید، فرصتی برای وصول به سعادت و کمال بسازند. طبیعی است، چگونگی وصول به سعادت یا بدبختی، تابع کیفیت به‌کارگرفتن توانایی‌های فکری و جسمی است؛ برای نمونه، جوان می‌تواند از قدرت بدنی خویش برای یاری ستم‌دیدگان استفاده نماید؛ ولی اگر به قدرت خویش مغرور شود، آن را در مسیر ستم به دیگران به کار خواهد گرفت.

از این رو، حضرت علی علیه السلام همگان، به‌ویژه جوانان را از استفاده نامناسب از قدرت، مال، علم و جوانی، پرهیز داد: «يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَسُكْرِ الْقُدْرَةِ وَسُكْرِ الْعِلْمِ وَسُكْرِ الْمَدْحِ وَسُكْرِ الشَّبَابِ»<sup>۳</sup> سزاوار است که عاقل از مستی: ثروت، قدرت، دانش، ستایش و جوانی بپرهیزد.

امیر مؤمنان، آفاتی را که ممکن است برای جوان به وجود بیاید، یادآوری نموده؛ چنان‌که فرزند خویش، امام حسن علیه السلام را به استفاده منطقی از توانایی‌های جوانی سفارش کرده و فرموده:

۱. قطب راوندی، النوادر، ص ۱۸.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۱، ح ۳۰.

۳. تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۶۶، ح ۸۷۵.

«از پدری در آستانه مرگ، به ناهمواری زمان معترف، پشت کرده به عمر، تسلیم روزگار، بدبین به دنیا، ساکن خانه‌های مردگان و آن‌که تنها از آن خانه‌ها کوچ می‌کند، به فرزندش که آرزومند چیزی است که نمی‌رسد، رونده راه نابودشدگان، هدف بیماری‌ها، گروگان روزگار، محل آماج مصیبت‌ها و غم‌ها، بنده دنیا، سوداگر غرور، بدهکار نابودی‌ها، گرفتار مرگ، هم‌سفر رنج‌ها، همدم غم‌ها و ...»<sup>۱</sup>

بدیهی است، مریبان و والدین باید ضمن آشناساختن جوانان با ویژگی‌های جوانی، نقاط ضعف و قوت دوره جوانی را به آنان یادآور شوند و ایشان را به استفاده مطلوب از توانایی‌ها سوق دهند.

علی علیه السلام به والدین و مریبان سفارش نموده که خطاهای جوانان را نادیده گیرند: «إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِيُثَلِّمَ الْإِخْرَاجُ عَلَى الْمُكَابَرَةِ»<sup>۲</sup> هرگاه جوانی را سرزنش کردی، بخشی از خطاهای وی را نادیده بگیر تا سرزنش تو، وی را به لجاجت نکشاند.»

### ۳. ویژگی عمومی

#### - الگوگیری

از بارزترین ویژگی‌های جوان، الگوپذیری است. این ویژگی، از این‌روی در جوانان شکل می‌گیرد که توانایی درک علمی امور را ندارند و شناخت واقعیت‌ها و تحلیل رفتار دیگران به آسانی برای آنان امکان‌پذیر نیست. در صورتی که جوان از الگوی مناسب پیروی کند، می‌تواند راه وصول به کمال را به سرعت طی نماید. در مقابل، توجه جوانان به الگوهای نامناسب، زمینه انحراف و تباهی ایشان را فراهم می‌سازد؛ چنان‌که فرهنگ‌سازان دنیای غرب، با توجه به این ویژگی جوانان است که الگوهای ساختگی و شخصیت‌های نامناسب را ترویج می‌کنند و با این عمل، جوانان را از هویت انسانی و اسلامی‌شان جدا می‌نمایند.

علی علیه السلام الگوگرفتن از شخصیت‌های الهی را مورد تأکید قرار داده، همگان، به‌ویژه جوانان را به پیروی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فراخوانده است: «وَأَقْتَدُوا بِهُدَى نَبِيِّكُمْ أَفْضَلُ الْهُدَى وَأَسْتَبْتُوا

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.

مجلس بیست و نهم: ویژگی‌های جوان از دیدگاه نهج البلاغه ■ ۳۸۷

بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ؛<sup>۱</sup> به سیره پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت‌کننده‌ترین سنت هاست.»

حضرت همچنین اقتدا به الگوهای شایسته را مورد عنایت قرار داده و از پیامبر ﷺ به عنوان برترین الگوی خویش یاد کرده است: «من در پی او بودم؛ چنان‌که بچه شتر در پی مادر است. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای برپامی‌داشت و مرا به پیروی از آن می‌گماشت.»<sup>۲</sup>

افزون‌براین، آن امام بزرگوار، همگان را به الگوپذیری از اهل بیت علیهم‌السلام فراخوانده و فرموده: «به اهل بیت پیامبر ﷺ بنگرید. از آن سوی که آنها گام برمی‌دارند، منحرف نشوید و قدم به جای قدمشان بگذارید. آنان هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام نمودند، قیام کنید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید. از آنان عقب نمانید که هلاک می‌گردید.»<sup>۳</sup>

امام در نامه خویش به فرزندش، حسن علی‌علیه‌السلام وی را به تبعیت از صالحان گذشته و استفاده از تجربه خوب آنان سفارش نموده و علت آن را گوشزد کرده است:

«... پیمودن راهی است که پدرانت و صالحان خاندانت پیموده‌اند؛ زیرا آنان آن گونه که تو در امور خویشتن نظر می‌کنی، در امور خویشتن نظر داشتند و همان‌گونه که تو درباره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشند. تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند، انتخاب کنند و بر آنچه تکلیف ندارند، روی گردانند. اگر نفس تو از پذیرفتن سر باز زند و خواهد چنان‌که آنان دانستند، بداند، پس تلاش کن درخواست‌هایت از روی درک و آگاهی باشد.»<sup>۴</sup>

۱. فیض الاسلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲. همان، خطبه ۱۹۱.

۳. همان، خطبه ۹۷.

۴. همان، نامه ۳۶.

### - عبرت آموزی

یکی از مسائل مهم که جوانان باید بدان توجه نمایند، عبرت‌پذیری است. امام علی علیه السلام با طرح سرگذشت اقوام و سران حکومت‌ها، جوانان را به عبرت‌پذیری فرامی‌خواند: «فَاتَّعِظُوا بِالْغَيْرِ وَاعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ»<sup>۱</sup> از عبرت‌ها پند بگیرید و از تغییرات، عبرت بگیرید. و: «اعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ»<sup>۲</sup> از آنچه از درگیری‌های قرون پیشین مشاهده کردید، عبرت بگیرید. نیز: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ»<sup>۳</sup> از آنچه بر سر امت‌های گردنکش آمد، عبرت بگیرید.»

### - کسب تجربه

دوره جوانی، دوره بی‌تجربگی است و جوان، به‌شدت به کسب تجربه نیاز دارد. به همین سبب، امام علیه السلام جوانان را به تجربه‌پذیری دعوت می‌نماید: «إِنَّمَا الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ التَّجَارِبُ»<sup>۴</sup> همانا عاقل، کسی است که تجربه‌ها او را پند دهند.»

آن امام بزرگوار در این باره به فرزندش پند می‌دهد:

«پسرم! اگر چه به اندازه همه کسانی که پیش از من می‌زیسته‌اند، عمر نکردم، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم؛ تا بدانجا که همانند یکی از آنان شدم؛ بلکه گویا در اثر آنچه از تاریخ آنها به من رسید، با همه ایشان از اول تا آخر بوده‌ام. پس، قسمت زلال و مصفای زندگی آنان را از بخش کدر و تاریک آن بازشناختم و سود و زیانش را دانستم. از میان تمام آنها، قسمت‌های مهم و برگزیده را برایت خلاصه کردم و از بین همه آنها، زیبایش را برایت برگزیدم و ناشناخته‌های آن را از تو دور نمودم.»<sup>۵</sup>

۱. همان، خطبه ۱۵۷.

۲. همان، خطبه ۱۶۱.

۳. همان، خطبه ۱۹۲.

۴. همان، نامه ۳۱.

۵. همان.